

تحلیل درون‌شناختی ایمان

در تفسیر ملاصدرا از قرآن

دکتر سیدمحمد کاظم علوی*
استادیار دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

بخشهای دوم و سوم، با تفکیک دو سیر «ابتدایی» و «رجوعی» نحوه ترتب این امور بر یکدیگر و بیان افضلیت سیر رجوعی و بتبع آن علم میپردازد. در بخش نهایی به تفکیک میان دو نوع «علم معامله» و «علم مکاشفه» پرداخته شده و علم مکاشفه بعنوان هدف و مقصود اصلی معین میگردد.

ایمان، گرچه محور مباحث دینی است اما در مباحث تفسیری و کلامی – فلسفی جایگاه خاص خود را دارد و علما با دیدگاههای مختلف به آن پرداخته‌اند. ملاصدرا نیز در تفسیر خود به مسئله محوری ایمان پرداخته است. او که نظام فکری حکمت متعالیه را با ملاحظه جریانهای مختلف فکری اسلام بنا نهاده، در تفسیر خود مجال بهتری می‌یابد تا دیدگاهی جامع ارائه دهد. تحلیل ایمان در تفسیر ملاصدرا بیانگر این دیدگاه متعالی است. در این تحلیل، روش‌شناسی ملاصدرا مورد ملاحظه قرار گرفته است.

کلیدواژگان

ملاصدرا	تفسیر ملاصدرا
ایمان	تصدیق قلبی
تحلیل درون‌شناختی	سیر ابتدایی و رجوعی
علوم معامله	علوم مکاشفه
مقدمه	

ملاصدرا ابتدا با در نظر گرفتن خاستگاه کلامی مسئله ایمان، به بررسی دیدگاه‌های مختلف کلامی و عقیدتی بر اساس مؤلفه‌های سه‌گانه کلامی: تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل جوارحی میپردازد و از این میان تنها تصدیق قلبی را دخیل در ماهیت ایمان میداند. او در مرحله نهایی به تحلیل اساسی و متعالی خود از ایمان میپردازد که در آن ایمان بمثابة یک حقیقت «درون‌شناختی» در نظر گرفته شده است و همچون دیگر امور درونی به تحلیل درون‌شناختی آن میپردازد. این تحلیل شامل چهار بخش میشود، در بخش نخست ایمان به سه امر و ساحت علم، حال و عمل تحلیل میگردد.

در تاریخ معرفت دینی، مسئله ایمان محور مباحث دینی بوده است. از آنجاکه دعوت پیامبران دعوت به ایمان بوده، ایمان در فرهنگ دینی، مفهومی شناخته شده و در عین حال پیچیده است. اهمیت این مسئله در فرهنگ اسلامی باعث شده تا نخستین مباحث کلامی و عقیدتی در اینباره صورت پذیرد و بحثهای

*.Email:alavismk@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۲/۱۱/۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۵

پیرامون آن، سرآغاز تفکر کلامی بحساب آید! همچنین مفهوم ایمان مفهومی کلیدی قلمداد میشود که از لحاظ معناشناختی در ارتباط با دیگر مفاهیم دینی نقش محوری را ایفا میکند؛ بگونه‌یی که برای فهم آنها به شناخت مفهوم ایمان نیاز است.^۱

مباحث فکری درباره ایمان در فرهنگ اسلامی مستند به قرآن است لذا تفسیر آیات مورد استناد یکی از مهمترین دلمشغولیهای متفکران مسلمان بوده و بخش مهمی از مباحث ایشان را به خود اختصاص داده است. یکی از تفسیرهای قرن یازدهم هجری، تفسیر ملاصدرا - مؤسس حکمت متعالیه - است. روش حکمت متعالیه بگونه‌یی است که توانسته در قلمرو علوم و معارف اسلامی، اعم از نقلی و عقلی، جایگاه ویژه‌یی بدست آورد. ملاصدرا به جمع میان برهان، قرآن و عرفان پرداخته و روشهای عقلی، نقلی و شهودی در علوم فلسفه، تفسیر، کلام و عرفان همه را لحاظ نموده است.^۲ از اینرو مکتب فکری وی از آن زمان تاکنون بعنوان مهمترین مکتب فلسفی - فکری پابرجا مانده و ادامه حیات داده است.

تفسیر ملاصدرا از قرآن، تفسیر کاملی نیست و تمامی آیات قرآن را شامل نمیشود بلکه متشکل از بخشهای تفسیری است که متناسب با «حالات روحانی» ملاصدرا از تفسیر آیه‌الکرسی (حدود سال ۱۰۲۵ق) و تفسیر آیه نور (حدود سال ۱۰۳۰ق) آغاز و سپس شامل سوره‌های حدید، اعلی، طارق، یس، زلزله، واقعه، سجده و جمعه میشود. البته ملاصدرا در دهه آخر حیات خویش مصمم به نگارش تفسیر ترتیبی کاملی از قرآن میگردد، اما این تفسیر پایان نمیرسد و به آیه ۶۵ سوره بقره ختم میگردد.^۳

روش ملاصدرا در تفسیر، روش یکنواختی نیست. در تفاسیر نخستین، بیشتر به مطالب عرفانی پرداخته و

به نکات ادبی و لغوی توجهی نداشته است اما در تفسیر ترتیبی او آخر عمر خود به روش معمول تفسیر نویسی توجه نشان داده و مباحث تفسیری را با مباحث لغوی آغاز میکند. در عین حال، برغم طرح مباحث لغوی و نقلی، به این سطح بسنده نمیکند و در کنار تبیین لغات و بیان دقایق ادبی و لغوی و نیز در نظر گرفتن ظواهر آیات و مناقشات تفسیری، به اسرار و رموز پنهان و معارف بلند آنها توجه نشان میدهد. تأویل و کشف باطن آیات از نظر ملاصدرا یک ضرورت است و در آن علاوه بر شهود، هم ظاهر لفظ در نظر گرفته میشود و هم از عقل مدد میگیرد. عبارتی دیگر، روش شهودی در کنار دو روش نقلی و عقلی قرار میگیرد^۴ و این سبک مبتنی بر همان روش وی در حکمت متعالیه است.^۵ البته این بمعنای تحمیل روش خود بر قرآن نیست بلکه میتوان آن را گونه‌یی تطبیق دانست، لذا تفسیر ملاصدرا نه تفسیر صرف است و نه تحمیل فلسفه و عرفان بر قرآن.^۶ اساساً تحمیل نزد خود ملاصدرا «تفسیر صحیح» نیست و در هرمنوتیک ملاصدرا، «تحمیل سلیقه‌یی معنا بر متن» جایز نیست و باید در جستجوی «مقصود گوینده» بود.^۷

1. Izutsu, *The Concept of Belief in Islamic Theology, A Semantic Analysis of Iman and Islam*, p.xi, 1.

2. Ibid, p.282.

۳. مطهری، خدمات متقابل ایران و اسلام، ص ۵۸۷-۵۸۶؛ جوادی آملی، «حکمت متعالیه، مجموعه فهم و شهود»، ص ۳۱-۲۳.

۴. خامنه‌ای، «اصول تفسیری و هرمنوتیک قرآنی نزد ملاصدرا»، ص ۶۵-۶۴.

۵. همان، ص ۶۹.

۶. جوادی آملی، «حکمت متعالیه، مجموعه فهم و شهود»، ص ۳۱-۲۳؛ نصیری، مکتب تفسیری صدرالمتألهین، ص ۲۰۲.

۷. نصیری، مکتب تفسیری صدرالمتألهین، ص ۱۰۶-۹۹.

۸. خامنه‌ای، «اصول تفسیری و هرمنوتیک قرآنی نزد ملاصدرا»، ص ۷۱.

روش‌شناسی ملاصدرا در تفسیر ایمان

ملاصدرا در بحث خود از ایمان در تفسیر قرآن از روشی تبعیت میکند که منبعث از روش حکمت متعالیه است. علیرغم اختلاف نظرهایی که درباره روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا وجود دارد، این دیدگاه‌ها بگونه‌یی بر اینکه فلسفه ملاصدرا از منابع متقدم بر خود عام از کلامی، فلسفی، تفسیری، روایی، عرفانی و ... — بهره برده است، اتفاق نظر دارند.^۹ در مسئله ایمان نیز ملاصدرا از این میراث علمی بهره برده است اما چگونگی در آمیختن این دیدگاه‌ها با طرح و الگویی که براساس آن، فرآیند بهره‌گیری را کامل کرده و نظریه‌یی منسجم ارائه داده اهمیت دارد. توجه به این مهم، موجب پدیدار شدن الگویی در این بررسی میگردد که از آن به «الگوی روشی» نام برده‌اند و در آن به بیان «مراحل روش‌شناختی» این بررسی پرداخته‌اند.^{۱۰}

بر این اساس، ملاصدرا در سه مرحله به بررسی ایمان میپردازد که عبارتند از: ۱. تفکیک عناصر مطرح شده و تعیین مفهوم محوری؛ ۲. تلفیق منسجم عناصر و ۳. ترسیم فرادیدگاهی ایمان یا تعبیری بهتر، نگاهی متعالی به ایمان. در مرحله نخست، پس از بیان گزارشی از آراء متفکران اسلامی درباره ایمان و دسته‌بندی آنها، بتعیین مفهوم محوری میپردازد که از نظر ملاصدرا همانا علم و معرفت است. در مرحله دوم، عناصر «اقرارزبانی» و «عمل جوارحی» جایگاه خاص خود را در کنار عنصر اصلی علم و تصدیق پیدا میکنند. در این گام دوم ذومراتب بودن ایمان مطرح میشود. در مرحله سوم، ملاصدرا پس از بیان جایگاه معنایی و مفهومی در تحلیل ایمان، از افقی برتر به مسئله مینگرد و به دیدگاهی متعالی (فرا دیدگاه) میرسد که معناشناختی است و مفاهیم حوزه

■ در تحلیل درون‌شناختی، ایمان
بمثابه یک حقیقت درون‌شناختی،
بر اساس ساحت‌های درونی «علم»،
«حال» و «عمل»، تحلیل میگردد.
مقصود ملاصدرا از طرح این تحلیل،
ارائه نگرشی متعالی به مبحث
«ایمان» است.

معناشناختی ایمان را معرفی میکند. این دیدگاه، ایمان را حقیقتی معادل توحید، حکمت، نور و عقل میداند.^{۱۱}

بیان محققانه فوق در باب روش‌شناسی ملاصدرا در مبحث ایمان، نگارنده را بر آن داشت تا مختصری درباره روش‌شناسی مذکور سخن بگوید. توجه به این الگوی روشی از افتادن در خطای داوری شتابزده درباره ملاصدرا، جلوگیری میکند و از این لحاظ درخور توجه است. نگارنده ضمن پذیرش مرحله‌یی بودن تحلیل ملاصدرا از ایمان، تحلیل نهایی ملاصدرا از ایمان را در نگرش درون‌شناختی به ایمان و تحلیل درون‌شناختی آن میداند. این تحلیل با تحلیل ایمان به مؤلفه‌های سه‌گانه «تصدیق»، «اقرار»، و «عمل»^{۱۲} — که میتوان آنرا «تحلیل کلامی» دانست چراکه خاستگاهی کلامی داشته و مشهور در میان متکلمان

۹. قراملکی، روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا، ص ۳۳؛ ۱۸۰ و ۱۹۷.

۱۰. ایزدی، «الگوی روشی ملاصدرا در تحلیل مفهومی

ایمان»، ص ۳۴.

۱۱. همان، ص ۴۴-۲۹.

12. Gardet, "Iman", p.1170; Izutsu, *The Concept of Belief in Islamic Theology, A Semantic Analysis of Iman and Islam*, p.117.

■

**ملاصدرا همچون
اکثر قریب به اتفاق
علمای امامیه اصل را در ایمان،
معرفت قلبی میدانند؛
«ان الاصل فی الایمان
هو المعرفة بالجنان».**

ویژگیهای مؤمنان» معطوف گردیده^{۱۳} و بر این اساس هر چند ملاصدرا در ماهیت ایمان، تنها تصدیق قلبی را دخیل دانسته لیکن در مواضع دیگر آن را بگونه‌یی تعدیل کرده و متمایل به پذیرش این نظریه اهل حدیث می‌گردد که هر سه مؤلفه اعتقاد قلبی، اقرار زبانی و عمل جوارحی را دخیل در ماهیت ایمان بداند.^{۱۴}

فایده دوم توجه به روش‌شناسی، اجتناب از داوری شتابزده است که ملاصدرا را متهم به عدم توجه به اشتراک لفظی «تصدیق» کرده‌اند.^{۱۵} با توجه به نظریه اشتراک لفظی میان «تصدیق نحوی» و «تصدیق منطقی»^{۱۶}، معتقدند ملاصدرا به این اشتراک توجه نداشته و آنچه در روایات از «تصدیق» آمده است را

۱۳. وحیدی مهرجردی، «ایمان از دیدگاه ملاصدرا»، ص ۶۴.
۱۴. همان، ص ۶۱-۵۹ و ۸۳؛ ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۷۸.

۱۵. فیاضی، «حقیقت ایمان از منظر ملاصدرا و علامه طباطبایی»، ص ۱۴.

۱۶. این تمایز که توسط نویسنده مذکور بیان شده است، بر این اساس است که تصدیق منطقی همان «علم تصدیقی یقینی (یقین بالمعنی الاخص)» است که «فهم مطابقت قضیه با واقع» و بتعبیری دیگر «اقرار و اذعان به حکم ایجابی یا سلبی» در قضیه است (همان، ص ۱۰-۹)؛ و تصدیق نحوی که «مرحله بالاتر از خود تصدیق منطقی است» به معنای «اذعان، اعتقاد، و اعتراف و در حقیقت اقرار به مضمون تصدیق منطقی است» (همان، ص ۱۴).

و حتی فلاسفه است - تفاوت دارد. در تحلیل درون‌شناختی، ایمان بمثابه یک حقیقت درون‌شناختی، مانند دیگر امور و مقامات دینی نگریسته شده و بر اساس ساحت‌های درونی «علم»، «حال» و «عمل»، و نحوه ترتب این امور بر یکدیگر، در دو سیر «ابتدایی» و «رجوعی» تحلیل می‌گردد. ملاصدرا در این تحلیل ایمان را به سه امر معارف، احوال و اعمال تحلیل می‌کند و با این تحلیل، بگونه‌یی دیگر به مبحث ایمان پرداخته است. مقصود وی از طرح این تحلیل، ارائه نگرشی متعالی به مبحث «ایمان» است؛ علاوه بر آنکه در تحلیل نهایی، به تنقیح اصالت بخشی علم در مرحله نخست و نیز ذومراتب بودن ایمان، که ثمره مرحله دوم بود، می‌پردازد. با این تحلیل، مراد و مقصود ملاصدرا از اصالت دادن به علم در تحلیل مفهوم ایمان بر اساس عناصر سه‌گانه کلامی تبیین بهتری می‌یابد.

اساساً توجه به مباحث روش‌شناختی برای درک موضع یک متفکر درباره هر مسئله‌یی، ضروری است اما در این مورد، با توجه به اینکه ملاصدرا مباحث مربوط به ایمان را نه در یک کتاب کلامی و نه در یک مبحث مستقل بلکه در یک کتاب تفسیری و در مواضع مختلف بیان نموده است، این امر اهمیت مضاعف می‌یابد و فوایدی دارد؛ از جمله آنکه، به تحقیق درباره تحلیل ملاصدرا از ایمان نظام و انسجام میبخشد و تحقیق را به سمت و سویی میکشاند که بتوان درباره ملاصدرا بعنوان یک فیلسوف و مؤسس حکمت متعالیه نظر داد. از این منظر ملاصدرا دارای نظریه‌یی منسجم و بدیع در اینباره است لذا نمیتوان گفت که در آثار ملاصدرا برای ایمان تعریفی منطقی ارائه نشده است و بیشترین تلاش ملاصدرا به «شناساندن ایمان از طریق آیات قرآنی، روایات معصومان و تبیین

بمعنای «تصدیق منطقی» گرفته است و حال آن که منظور روایات «تصدیق نحوی» بوده است.^{۱۷}

ماهیت ایمان و بیان دیدگاه‌های مختلف نزد ملاصدرا

ملاصدرا در نخستین بررسی مفهوم ایمان، به بررسی معنای لغوی ایمان می‌پردازد. او «ایمان» را مأخوذ از «أ - م - ن» در باب «افعال» میدانند. در این ماده، ایمان بمعنای «تصدیق» است لذا ملاصدرا از کسی که ایمان می‌آورد به «مصدق» یاد کرده است.^{۱۸} در اینباره در عرف اهل لغت اختلافی نیست و مشاهیر علمای لغت «ایمان» را بهمین معنای «تصدیق» و مأخوذ از ماده «أ - م - ن» دانسته‌اند.^{۱۹}

در ادامه، ملاصدرا به معنای ایمان بحسب شرع، یعنی ماهیت و حقیقت ایمان نزد نحله‌های مختلف مسلمانان می‌پردازد. بنظر ملاصدرا اختلاف مسلمانان در ماهیت ایمان، چهار دسته بوجود آورده است.^{۲۰} در این دسته‌بندی همچون دیگر دسته‌بندیها، مؤلفه‌ها و عناصر سه‌گانه اقرار زبانی، تصدیق قلبی و عمل جوارحی دخالت دارند.^{۲۱} گروه اول کسانی هستند که هر سه عنصر را در ایمان دخیل میدانند و ایمان را مجموع اقرار لسانی، تصدیق قلبی و عمل جوارحی میدانند؛ گروه دوم ایمان را مؤلف از اقرار زبانی و تصدیق قلبی می‌شمارد؛ گروه سوم ایمان را فقط تصدیق قلبی و عمل قلبی میدانند و گروه چهارم ایمان را فقط اقرار زبانی قلمداد میکنند. این تقسیم‌بندی چهارگانه توسط فخرالدین رازی در تفسیر مفاتیح‌الغیب بیان شده^{۲۲} و در منابع دیگر پس از وی نیز نقل شده است.^{۲۳}

ملاصدرا پس از بیان دیدگاه‌های مختلف درباره ایمان، به داوری درباره آنها می‌پردازد و در این داوری

همچون نظریه اکثر قریب به اتفاق علمای امامیه^{۲۴} اصل را در معرفت قلبی میدانند؛ «ان الاصل فی الايمان هو المعرفة بالجنان»^{۲۵}.

از نظر ملاصدرا شش وجه در اثبات اینکه ایمان صرف علم و تصدیق است، وجود دارد که برخی از این وجوه در تفسیر مفاتیح‌الغیب فخر رازی آمده است.^{۲۶}

وجه نخست آنست که خداوند در قرآن کریم ایمان را به قلب اضافه کرده است و آن را فعل قلب دانسته است. لذا ایمان مقوله‌ی جوارحی است نه جوارحی. ملاصدرا در این وجه به چند آیه اشاره میکند که در آنها ایمان به قلب نسبت داده شده است.^{۲۷}

وجه دوم در اثبات تصدیق قلبی برای ایمان، با استفاده از اقتران عمل صالح با ایمان در قرآن کریم

۱۷. همان، ص ۱۵-۱۴ و ۱۸.

۱۸. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۷۷؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۲۷۰؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۸.

۱۹. رک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱؛ خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۸، ص ۳۸۹؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲۰. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۷۸.

21. Gardet, "Iman", p.1170; Izutsu, *The Concept of Belief in Islamic Theology, A Semantic Analysis of Iman and Islam*, p.117.

۲۲. فخررازی، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۲۷۱-۲۷۰؛ ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۸۳-۷۸.

۲۳. رک: تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۱۷۶؛ آمدی، ابکار الافکار فی اصول الدین، ج ۵، ص ۷؛ حلی، الألفین، ج ۲، ص ۹۲؛ تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۲۹۷.

۲۴. جوادی، نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن، ص ۱۳۴.

۲۵. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۸۶.

۲۶. همان، ص ۸۹-۸۷؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲۷. برای نمونه: مجادله، ۲۲؛ مائده، ۴۱؛ نحل، ۱۰۶.

بیان شده است^{۲۸}. این آیات یکی از وجوه اصلی اثبات تصدیق قلبی برای ایمان، در میان علمای شیعه بوده است^{۲۹}. در این وجه استدلال شده است که اگر عمل صالح داخل در قوام و ماهیت ایمان بود اقتران عمل صالح به ایمان، تکرار و بیهوده بود.

وجه سوم از راه ذکر معاصی در کنار ایمان است که در آنها سخن از ارتکاب به معصیت اهل ایمان است^{۳۰}. آیه مورد استناد، آیه ۱۷۸ سوره بقره است که خداوند میفرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی...». در این آیه به سه گونه در اثبات مطلوب استفاده شده است؛ اول اینکه متعلق این آیه مؤمنان هستند که مرتکب قتل شده‌اند، دوم اینکه در آن از اخوتی سخن بمیان آمده است که اخوت ایمان است، سوم اینکه در آن از تخفیف در عقاب از جانب پروردگار سخن بمیان آمده است که جز شایسته مؤمنان نیست. لذا مؤمن میتواند معصیت کار باشد. **وجه چهارم** براساس آیه ۲۵۶ سوره بقره است که خداوند میفرماید، «لا اکراه فی الدین»، از نظر ملاصدرا این آیه و احادیثی مانند «لیس الایمان بالتمنی ولا بالتحلی»^{۳۱} نشان میدهد که امور اعتقادی و ایمانی به جبر و اکراه نمیتواند صورت بپذیرد و اگر ایمان از باب اعمال بدنی مانند نماز و روزه میبود تحقق آن میتوانست به جبر و تمنی باشد.

در **وجه پنجم** ملاصدرا استدلال میکند که در ایمان باید چیزی اصل باشد که قابل زوال و تغییر نباشد و این ویژگی در علم و تصدیق یقینی یافت میشود.

آخرین وجه از طریق معنای لغوی ایمان است. در این وجه آمده است که ایمان در اصل لغت عربی بمعنای تصدیق و اذعان آمده است و اگر در اصطلاح شریعت برای غیر این معنا استفاده شده باشد مستلزم

آنست که از زبان عربی عدول کرده باشد و این با عربی بودن قرآن منافات دارد. علاوه بر این، باید عدول از این معنا در میان عرف اهل ایمان مشهور میشد و به حد تواتر میرسید. همچنین اختلافی در این نیست که واژه ایمان وقتی به حرف «باء» متعدی شود بمعنای تصدیق است و معدی نیز باید همانگونه باشد.

ملاصدرا با محور قرار دادن عنصر تصدیق قلبی به تعریف ایمان میپردازد^{۳۲}. بر این اساس دو عنصر دیگر یعنی اظهار لسانی (اقرار زبانی) و عمل به جوارح، داخل در قوام و ماهیت ایمان نیستند. او اقرار زبانی را دخیل در ماهیت ایمان نمیداند چنانکه اگر کسی به تصدیق قلبی رسیده باشد لیکن اظهار نکرده باشد و از دنیا رفته باشد حکم به ایمان او میکند^{۳۳}. عنصر دیگر که عمل جوارحی است مورد مناقشه بیشتری بوده است. ملاصدرا در اینباره بتفصیل بیشتری سخن گفته و در عبارات مختلف آثارش، عمل را خارج از ماهیت ایمان میداند^{۳۴}، چنانکه دیده شد در وجوه یاد شده در اثبات تصدیق بودن ایمان، وجوه دوم و سوم و چهارم ناظر به خارج دانستن عمل از ماهیت ایمان بود^{۳۵}.

۲۸. برای نمونه: بقره، ۸۲؛ آل عمران، ۵۷؛ مائده، ۹؛ اعراف، ۴۲.
 ۲۹. حلی، مناهج الیقین فی اصول الدین، ص ۵۳۴؛ شهید ثانی، حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد والعدالة، ص ۶۹-۷۰.
 ۳۰. برای نمونه: انعام، ۸۲؛ حجرات، ۹.
 ۳۱. سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۹۷؛ شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۸۷.
 ۳۲. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۸۹؛ ج ۴، ص ۱۳۷۲.
 ۳۳. همان، ج ۲، ص ۹۶-۹۵.
 ۳۴. همان، ص ۹۵ و ۱۰۳؛ ج ۳، ص ۵۸۰.
 ۳۵. همان، ج ۲، ص ۸۸-۸۷.

■ ملاصدرا

ایمان را مشکک میداند و در تفسیر خود به ذومراتب بودن ایمان تصریح میکند.

میتوان با لحاظ تفکیک میان «اسلام» و «ایمان»، آن را در «اسلام» دخیل دانست. اثر این اقرار وارد شدن در دایره مسلمانان و در نتیجه حفظ جان و مال اوست^{۳۸} و ایمان از این لحاظ دارای جنبه حقوقی و فقهی نیز میگردد و لذا از آن میتوان به ایمان حقوقی و فقهی نام برد^{۳۹}. اقرار و اظهار به زبان هر چند در ردیف علم و تصدیق نیست لیکن از حیث حقوقی و فقهی برای جامعه و اجتماع مؤمنان ضرورت می یابد. مؤلفه دیگر، عمل جوارحی است که ملاصدرا در مرحله نخست درباره اینکه مرتبه «فعل» خارج از مرتبه «تصدیق قلبی» است ادله‌یی را بیان کرده^{۴۰}، اما در این مرحله تصریح میکنند که هر چند عمل صالح داخل در ماهیت و قوام ایمان نیست لیکن برای حصول حقیقت ایمان ناگزیر است؛ زیرا با عمل صالح است که انسان میتواند به امور غیبی بصیرت یابد و حقایق ملکوتی، که غایب از مشاهده حواس است، بر او منکشف گردد؛^{۴۱} و اساساً سعادت انسانی به دو عامل

۳۶. همان، ج ۷، ص ۱۴۹-۱۴۸.

۳۷. همان، ج ۲، ص ۴۴۵-۴۳۸.

۳۸. همان، ص ۴۵۸.

۳۹. علوی، «بررسی معناشناختی ایمان در تفسیر مواهب

الرحمن»، ص ۲۰۹-۲۰۷.

۴۰. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۸۹-۸۷.

۴۱. همان، ص ۱۰۳.

ذکر این نکته لازم است که اگرچه ملاصدرا در زمینه مبحث کلامی و براساس ساختار مفهومی ایمان از میان مؤلفه‌های کلامی ایمان، مؤلفه تصدیق قلبی و علم و معرفت را برمیگزیند و دیگر عناصر را دخیل در ماهیت ایمان نمیداند، اما مراد وی از تصدیق و علم در همان سطح کلامی خلاصه نمیگردد و متفاوت از تصویری است که در سطح عادی درک جریانهای فکری قرار دارد. ملاصدرا مراد خود از علم را بگونه‌یی بیان میکند^{۳۶} که میتوان گفت جهت تعالی یافته حکمت متعالیه را در قیاس با دیگر جریانهای فکری نمایان میسازد.

ملاصدرا در این مسئله همچون دیگر مسائل فلسفی و فکری، ابتدا از همان محل نزاع علما آغاز میکند اما در فرجام کار بحث را بگونه‌یی سامان میدهد که به تحلیلی متعالی که در آن عناصر مختلف مسئله لحاظ میگردد، می‌انجامد و میتوان از آن به روشی تعالی یافته یاد کرد که درخور عنوان حکمت متعالیه است. ما در این مقاله این تحلیل نوین ملاصدرا در مسئله ایمان را تحلیل درون‌شناختی نامیده‌ایم. در این تحلیل، علم و معرفت دیگر همان معنای عادی علم و معرفت را ندارد و حاکی از نوعی تجربه ایمان بمثابة یک حقیقت درون‌شناختی است نه یک مفهوم صرف، و با الهام از حق و کشف از جانب قدس تحقق می‌یابد^{۳۷}.

ذومراتب بودن ایمان

ذومراتب بودن ایمان در نتیجه مرحله دوم تحلیل ملاصدرا از ایمان حاصل میگردد. در مرحله دوم چنانکه قبلاً اشاره شد، به تبیین جایگاه اقرار زبانی و عمل جوارحی پرداخته میشود. از نظر ملاصدرا هر چند اقرار زبانی خارج از ماهیت ایمان است لیکن

■ ملاصدرا
با تبعیت از اصل
تمایز مفهوم وجود
و حقیقت وجود، میان
مفهوم ایمان و حقیقت ایمان
تمایز قائل میشود.

بستگی دارد، یکی عاملی معرفتی که ایمان است و دیگری عاملی فعلی که عمل صالح است.^{۴۲}

فهم دقیق این نکته پس از بیان تحلیل نهایی ملاصدرا در مرحله سوم امکانپذیر است، اما در این مرحله نیز میتوان تا این مقدار به نظر ملاصدرا پرداخت که ملاصدرا با بیان فوق به جذب عناصر دیگر میپردازد و بخوبی میتواند روایات منقول از معصومان علیهم السلام - بویژه امام رضا(ع) - را که در آن عناصر سه‌گانه، دخیل در ایمان دانسته شده است، تبیین نماید.^{۴۳} بر این اساس، با در نظر گرفتن جنبه حقوقی ایمان (ایمان حقوقی)، عنصر اقرار زبانی و با در نظر گرفتن ایمان حقیقی، عنصر عمل جوارحی در ایمان قابل تعریف هستند.

ثمره این مرحله از تحلیل مسئله ایمان در تفسیر ملاصدرا، ذومراتب دانستن ایمان است.^{۴۴} ملاصدرا در این عبارات ایمان را مشکک میدانند و آن را به درجات شدت و ضعف و کمال و نقص متفاوت معرفی میکند.^{۴۵} او در این نظریه به مفاهیم مشکک در منطق و فلسفه نظر داشته که یکی از آموزه‌های فلسفی اسلامی است و طیف وسیعی از مفاهیم فلسفی، کلامی و اخلاقی را شامل می‌گردد.^{۴۶}

او در تفسیر خود به ذومراتب بودن ایمان تصریح میکند و به بیان مراتب آن به انحاء مختلف

می‌پردازد.^{۴۷} در این درجه‌بندیها، درجه نخست، و البته غایت ضعف ایمان و پایینترین درجه آن، به «ایمان تقلیدی» اختصاص دارد.^{۴۸} در اتصاف به این ایمان، تصدیق لسانی^{۴۹} کفایت میکند. این ایمان مربوط به عوام اهل ایمان بوده و بر اساس سماع و تقلید و نه با برهان و نه با عیان، حاصل میگردد^{۵۰} و در بیان تفاوت میان اسلام و ایمان مورد بحث قرار میگیرد. ملاصدرا اقرار لسانی به شهادتین را بعنوان «اسلام» معرفی میکند و آن را از «ایمان» متفاوت میداند^{۵۱} لذا تنها جنبه فقهی و حقوقی دارد.

در طرف دیگر مراتب ایمان، ایمانی قرار دارد که واجد کاملترین معنای ایمان است. این درجه، مطابق تعریف ملاصدرا، به عرفا و اولیای کامل الهی اختصاص دارد که پس از طی مراحل علم‌الیقین و عین‌الیقین به مرتبه حق‌الیقین رسیده‌اند.^{۵۲} این مرتبه، مرتبه اخص مؤمنان است که پس از مرتبه عوام و خواص قرار دارد و ایمان عیانی است.^{۵۳}

۴۲. همان، ج ۶، ص ۱۲۷.

۴۳. همان، ج ۲، ص ۷۸؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ص ۲۰۵ - ۲۰۴.

۴۴. ایزدی، «الگوی روشی ملاصدرا در تحلیل مفهومی ایمان»، ص ۳۸.

۴۵. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۹۰.

۴۶. علوی، «سیر تاریخی شکلگیری اصطلاح مشکک در منطق»، ص ۵۵.

۴۷. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۹۵ - ۸۹ و ۱۳۹ - ۱۴۰؛ ج ۳، ص ۵۸۴؛ ج ۷، ص ۱۴۱؛ ج ۶، ص ۳۰۸ - ۳۰۴؛ ج ۸، ص ۲۲۸ - ۲۲۵.

۴۸. همان، ج ۳، ص ۵۸۴.

۴۹. همان، ج ۶، ص ۳۴.

۵۰. همان، ج ۸، ص ۲۴۸.

۵۱. همان، ج ۲، ص ۴۵۸ - ۴۵۷.

۵۲. همان، ص ۹۳ - ۹۰؛ ج ۳، ص ۵۸۴.

۵۳. همان، ج ۸، ص ۲۲۸ - ۲۲۷.

بین ایندو مرتبه و حد ایمان، ملاصدرا گاه یک مرتبه تعریف میکند که همان مرتبه خواص است^{۵۴} و گاه دو مرتبه، و به بیانی عرفانی میپردازد که با مراتب انسان و نیز توحید متناظر است^{۵۵}.

ایمان بمثابة یک حقیقت درون‌شناختی

ملاصدرا در این مرحله از تحلیل خود، ایمان را در کنار صبر، توبه و شکر قرار میدهد و از آنها به مقامات دین و دینداری یاد میکند^{۵۶}. صبر، توبه و شکر در کتب اخلاقی در کنار رضا، احسان، توکل از مفاهیم اخلاقی دانسته شده‌اند^{۵۷} و با در نظر گرفتن تصوف و عرفان عملی از مفاهیم تصوفی و عرفانی هم محسوب میگردند^{۵۸}.

در این تحقیق از این امور به حقایق درون‌شناختی یاد شده است و مراد از آنها، اموری درونی و انفسی است که در حوزه و قلمرو نفسانیات و درون انسانی، دارای واقعیت و تحقق هستند و در حوزه شناخت بشری مطرح میگردند. لذا با لحاظ درونی بودن و معرفتی بودن آنها، میتوان از آنها به حقایق درون‌شناختی یاد کرد؛ برخی از مفاهیمی که به این امور اشارت دارند در صدر بحث ذکر گردیدند. البته باید متذکر گردید که امور درون‌شناختی شامل همه امور، واقعیتهای و حقایق انفسی و درونی میگردد اما از آنجاییکه ملاصدرا در بحث تفسیری خود به مبانی تفصیلی در امور صبر، شکر، توبه میپردازد از این امور بیشتر یاد شده است.

ملاصدرا در بحث خود از الگویی تبعیت میکند که ابو حامد محمد غزالی (۵۰۵ق) در احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت به معرفی آن پرداخته است^{۵۹}. ملاصدرا در تفسیر خود، به غزالی اشاره کرده و به نقل عبارات احیاء علوم الدین در این موارد میپردازد^{۶۰}.

او همچون غزالی این امور را از مقامات دین و دینداری میداند و به تحلیل آنها میپردازد. البته غزالی ایمان را در شمار این مقامات ذکر نکرده است و تنها در عبارات خود، از تحلیل همه «مقامات دین» به این امور یاد کرده است^{۶۱} و اینکه بخواهد «ایمان» را همچون این مقامات یعنی، صبر، توبه و شکر، بداند مستندی نمیتوان یافت. ملاصدرا با ابتکار خود «ایمان» را در کنار این مقامات قرار داده و از الگوی ارائه شده برای این مقامات بهره میگیرد تا به تحلیل درون‌شناختی ایمان بپردازد. در این تحلیل «ایمان» بمثابة یک حقیقت درون‌شناختی همچون صبر، توبه و شکر دیده شده است.

ممکن است این پرسش بوجود آید که مراد ملاصدرا از ارائه این الگو برای «ایمان» چیست؟ و چرا ایمان را در کنار صبر، توبه و شکر قرار داده و آن را همچون امری درون‌شناختی و حقیقتی درونی در نظر میگیرد؟ در پاسخ به این پرسش باید به فلسفه ملاصدرا رجوع نمود. ملاصدرا در حکمت متعالیه بنایی جدید را بنیان مینهد که براساس آن اصالت با وجود است و همین اصالت وجود، شاخص و ممیزه حکمت متعالیه ملاصدرا گردیده است که با آن شناخته میشود. البته

۵۴. همان، ص ۲۲۶-۲۲۵.

۵۵. همان، ج ۲، ص ۹۰-۸۹.

۵۶. همان، ص ۸۳؛ ج ۳، ص ۹۹۴-۹۹۳؛ ج ۴، ص ۱۱۷۱-۱۱۷۲ و ۱۲۸۶؛ ج ۷، ص ۱۴۳-۱۴۲.

۵۷. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴؛ نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۰۸-۵۴.

۵۸. انصاری، منازل السائرین، ص ۸۰-۶۹؛ سراج طوسی، اللمع فی التصوف، ص ۱۲۰-۹۵.

۵۹. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳، ۸۱، ۶۲، ۱۳۷ و ۲۴۵؛ همو، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۳۵۸.

۶۰. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۱۷۳-۱۱۷۲؛ ج ۷، ص ۱۵۱-۱۵۰.

۶۱. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۶۲.

■ حاج

ملاهادی سبزواری

در بازنویسی فلسفه

براساس حکمت متعالیه،

مسئله ایمان را در قسمت

علم اخلاق و بعنوان

اولین مبحث آن قرار

داده است.

در کنار این اصل از اصول وحدت وجود و تشکیک وجود هم نام برده میشود که از مبانی حکمت متعالیه تلقی میگردند. ملاصدرا در رسیدن به این مبانی از اصلی تبعیت کرده است که این اصل، وجه تعالی فلسفه وی از دیگر سنتهای فلسفی بویژه سنت فلسفی ارسطو و ابن سینا است. ارسطو در فلسفه خود به مسئله حرکت پرداخته و برای تحلیل و تبیین آن، اصل تمایزی را مبنا قرار میدهد که از آن میتوان به «اصل تمایز ماده و صورت» نام برد. همچنین ابن سینا به مسئله مبدأ وجودی این عالم میپردازد و برای تحلیل و تبیین آن اصل تمایز پیشرفته تری را مبنا قرار میدهد که آن را میتوان «اصل تمایز ماهیت و وجود» دانست که تمایزی مفهومی است. اما ملاصدرا فراتر از این فلسفهها به اصل تمایز مفهوم وجود و حقیقت وجود میپردازد و براساس آن، مبانی حکمت متعالیه یعنی اصالت وجود، وحدت وجود و تشکیک وجود را پایه ریزی میکند.^{۶۲}

ملاصدرا در مسئله ایمان نیز از این اصل تبعیت میکند و میان بحث مفهومی ایمان و بحث حقیقی ایمان یا میان مفهوم ایمان و حقیقت ایمان فرق قائل میشود و بر این اساس، مسئله ایمان را از یک مبحث کلامی و مفهومی صرف تعالی داده و به بحثی حقیقی

و حقیقت ایمان سوق میدهد. ایمان در پرتو حقیقت آن، امری درونی است، یعنی امری نیست که خارج از انسان دارای واقعیت باشد و واقعیتی درونی و انفسی دارد و با انسان معنا می یابد. از اینرو دارای حقیقتی درونی است. شاید بهمین سبب باشد که حاج ملاهادی سبزواری در بازنویسی فلسفه براساس حکمت متعالیه، مسئله ایمان را در قسمت علم اخلاق و بعنوان اولین مبحث آن قرار داده است.^{۶۳} بر این اساس، در بحث حقیقی از ایمان، آن را واقعیتی درونی و حقیقتی انفسی میداند و در کنار دیگر امور و حقایق درونی و انفسی قرار میدهد. عبارتی دیگر، ایمان بمثابة حقیقتی درونی شناخته میشود و در بحث معرفتی و شناختی از آن، با رویکردی درون شناختی به آن مراجعه میکند و به تحلیل درون شناختی آن میپردازد.

تحلیل درون شناختی ایمان

چنانکه در قسمت قبل گفته شد ایمان در تفسیر ملاصدرا بمثابة یک حقیقت درون شناختی تلقی شده است. این امر تحلیلی درون شناختی را نیز میطلبد که در آن از الگویی ارائه شده در تحلیل امور درونی بی مانند صبر، توبه و شکر بهره برده شده است. در این تحلیل، ملاصدرا به نقل خلاصه‌یی از آنچه در کتاب احیاء علوم الدین غزالی، در تحلیل معنای شکر و توبه کتاب آمده است، میپردازد.^{۶۴} در این الگو مقامات

۶۲. علوی، «سه اصل تمایز در سه سنت فلسفی»، ص ۱۸ -

۱۷.

۶۳. سبزواری، شرح المنظومه، ج ۵، ص ۳۷۰ - ۳۶۵.

۶۴. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۳، ص ۹۹۳ - ۹۹۲؛ ج ۷، ص ۱۵۱ - ۱۵۰؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳ و ۸۱ به بعد. البته این الگو قبل از غزالی در آراء خواجه عبدالله انصاری نیز سابقه دارد.

■

علم مکاشفه
علم باطن است
و غایت علوم؛ این علم
جز به الهام از حق و کشف از
جانب قدس محقق
نمیگردد.

.....

معارف به متعلقات آن اقدام میکند^{۶۱} که همان متعلقات و ارکان ایمان است که در مواضع دیگر به اصول ایمان از آنها یاد کرده است^{۶۲}. او در بحث خود درباره علوم و معارف در ایمان به این مقام بسنده نمیکند و بحث اساسی خود در تفسیر از ایمان را نیز در همین ساحت انجام میدهد که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

ساحت دوم را احوال تشکیل میدهند که تالی علوم و معارفند و متأثر از ساحت نخست. بر این اساس، هنگامیکه نور معرفت و شناخت گناهان و ضررهای آنها حاصل شد، آتش پشیمانی و ندامت را در قلب شعله‌ور میسازد و حالت تألمی در قلب پدید می‌آید که بدنیاال آن شناخت به حرمان از معبود و محجوب

۶۵. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۸۳؛ ج ۴، ص ۱۱۷۱ و ۱۲۸۶؛ ج ۷، ص ۱۴۲.
۶۶. همان، ج ۲، ص ۸۳؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۶۲.
۶۷. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۵۵.
۶۸. همان، ص ۲۱۶.
۶۹. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۱، ص ۹؛ همو، کسر اصنام الجاهلیه، ص ۷۱.
۷۰. همو، تفسیر قرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۲۸۷-۱۲۸۶.
۷۱. همان، ج ۲، ص ۸۳.
۷۲. همو، مفاتیح الغیب، ص ۱۰.

صبر، توبه و شکر مد نظر قرار گرفته‌اند. این مقامات از سه امر انتظام یافته‌اند که عبارتند از علم، حال و عمل؛ که در حالت جمع به علوم، احوال و اعمال و نیز در صورت دیگر به معارف، احوال و اعمال تعبیر شده‌اند^{۶۵}. این امور را میتوان ساحت‌های مقامات درونی و روحانی دانست. این ساحتها بر یکدیگر مرتب هستند و از یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل میپذیرند. این ساحتها میتوانند برای هر امر روحانی تعریف گردند، چنانکه همه مقامات دین از این امور سه‌گانه تنظیم یافته‌اند^{۶۶} لذا غزالی از این امور سه‌گانه در خوف^{۶۷} و زهد^{۶۸} نام برده است و ملاصدرا خود نیز از علم، شجاعت، کرم، حلم و استعاده در شمار این مقامات نام میبرد^{۶۹}.

ملاصدرا تحلیل خود را در چهار بخش ارائه داده است؛ بخش نخست، تحلیل به امور و ساحت‌های سه‌گانه یاد شده، یعنی علوم، احوال و اعمال است. بخش دوم معرفی دو سیر ابتدایی و رجوعی در نحوه ترتب این امور بر یکدیگر است. بخش سوم افضل دانستن سیر رجوعی و علم است که هدف و غایت آن است. بخش چهارم و نهایی هم به بیان مراد و مقصود از علم میپردازد که در آن تفکیک میان «علوم معامله» و «علوم مکاشفه» بیان شده و علم مکاشفه غایت و هدف دانسته میشود و تهذیب ظاهر در انجام اعمال صالح و تهذیب باطن در احوال، همه در راستای حصول این معارف تلقی میگردد.

ساحت نخست از این امور سه‌گانه، علم است که درباره صبر، توبه و شکر، به تفاوت متعلقات، تشریح میگردد.^{۷۰} ملاصدرا در بحث ایمان، از این ساحت به علوم و معارف یاد میکند و آنها را اصول میدانند. او معارف را علم به خداوند، صفات و افعال او، کتب و رسل الهی و معاد میدانند و در این مقام به تعریف

شدن از محبوب، آتش عشق در قلب زبانه میکشد و این روح توبه پس از علم است.^{۷۳} این ساحت برای شکر^{۷۴} و صبر^{۷۵} هم مطرح میشود و تشریح میگردد. احوال در این ساحت گو اینکه جنبه سلبی می‌یابند، چنانکه در مورد ایمان به انقطاع از اغراض و مقاصد طبیعی شائبه‌ها و وسوسه‌های نفسانی مانند شهوت، غضب، کبر، عجب، محبت جاه و مقام معرفی میشود.^{۷۶}

ساحت سوم ساحت اعمال و افعال است. در الگوی ارائه شده، براساس تحلیل مفاهیم صبر^{۷۷}، شکر^{۷۸} و توبه^{۷۹} به توصیف این ساحت پرداخته میشود. این ساحت درباره ایمان نیز با ذکر مصادیقی اینگونه بیان شده است: نماز، زکات، روزه، طواف، جهاد؛ عبارتی دیگر، انجام هر آنچه که خداوند به آن امر کرده است و اجتناب از هر آنچه که خداوند از آن نهی کرده است در ساحت اعمال و افعال ایمان قلمداد شده است.^{۸۰}

ملاصدرا در بخش دوم از تحلیل خود به نحوه ترتب این امور و ساحت‌های سه‌گانه بر یکدیگر می‌پردازد. میتوان برای ترتب این امور دو سیر در نظر گرفت؛ در سیر نخست، علم، آغاز این سیر و عمل، فرجام آن باشد و در سیر دوم، عمل آغاز و علم انجام در سیر نخست، علم، در جهت حصول حال و حال در جهت حصول عمل است و عمل بعنوان هدف علم و سپس حال تلقی میگردد. اما در سیر دوم عمل در جهت حصول و تحقق حال است و بر همین منوال، حال در جهت تحقق و حصول علم است و این علم است که هدف و غایت احوال و افعال است. ملاصدرا از این دو سیر به دو سیر «ابتدایی» و «رجوعی» نام میبرد و تفکیک این دو سیر را به تفکیک میان ترتب این امور در وجود حدوثی و بقایی باز میگرداند. در سیر

■ علم معامله، غایت علوم و معارف دینی و ایمانی نیست، بلکه خود، زمینه ساز علم دیگری بنام «علم مکاشفه» است و رفیعترین و عالیترین علوم مکاشفه، «معارف ایمانی» هستند.

ابتدایی، احوال، شاخه‌های درخت معارف و اعمال، نتایج و میوه‌های آن هستند.^{۸۱} اما در سیر رجوعی فائده عمل، اصلاح احوال قلب و پالایش آن از آلودگیهاست و بدنال آن تمایل به حق و صراط مستقیم است. اصلاح این احوال قلب خود نیز در جهت آنست که صفات خداوند در آن منکشف شوند و معارف متعالی درباره پروردگار و صفات و افعال او در آن متجلی گردند.^{۸۲}

در بخش سوم، در تکمیل بخش دوم، سیر رجوعی افضل از سیر ابتدایی دانسته میشود. ملاصدرا سیر ابتدایی را برداشتی در نظر ظاهری میداند و متعلق به کسانی که ادراکی بالاتر از عالم حسی ندارند. اما نزد صاحبان بصائر و کسانی که انوار معرفت را از مشکات

۷۳. همو، تفسیر قرآن الکریم، ج ۳، ص ۹۹۷-۹۹۲.

۷۴. همان، ج ۴، ص ۱۲۸۷-۱۲۸۶؛ ج ۷، ص ۱۴۸-۱۴۷.

۷۵. همان، ج ۴، ص ۱۱۷۳.

۷۶. همان، ج ۲، ص ۸۳.

۷۷. همان، ج ۴، ص ۱۱۷۳-۱۱۷۲.

۷۸. همان، ص ۱۲۸۷-۱۲۸۶؛ ج ۷، ص ۱۴۸؛ همان، ج ۲،

ص ۳۶۲-۳۶۱؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳۱ و ۸۴.

۷۹. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۳، ص ۹۹۴-۹۹۳.

۸۰. همان، ج ۲، ص ۸۳.

۸۱. همان، ج ۴، ص ۱۱۷۲.

۸۲. همان، ج ۷، ص ۱۴۸.

نبوت نه بواسطهٔ تعلیم معلمان بشری و عادی اخذ کرده‌اند، این سیر بگونه‌ی دیگری است. در واقع، ایشان اسرار حکمت حق را نه از طریق قیل و قال و بحث و نظر بلکه از طریق وحی و رسالت کسب نموده‌اند و در نظر عمیق و حقیقی ایشان، ترتب این امور بر یکدیگر بگونه‌ی دیگری است. در این نظر، اعمال در جهت تحقق احوال و احوال در جهت تحقق معارف و علوم هستند و این معارف هستند که مقصود و منظور هستند و برتری از آن علوم و معارف آنهاست.^{۸۳} علم و حال هر دو برای کمال علم هستند و برخلاف سیر ابتدایی که علم مبدأ حرکت و عمل مقصود و هدف است. در سیر رجوعی، این علم است که مقصود و هدف است و لذا افضل این امور است و بر این اساس سیر رجوعی نیز افضل این دو سیر است. در این بیان، اعمال در جهت اصلاح قلب و پاک کردن آن از مشوبات و بازداشتن آن از انحراف از مسیر مستقیم است و البته اصلاح قلب خود برای ساحت علوم و معارف است که در آن جلال خداوند در ذات و صفات و افعالش منکشف می‌گردد و این بالاترین مقام است.^{۸۴}

در بخش چهارم و نهایی تحلیل ملاصدرا، تبیین علوم و معارف مطرح می‌گردد. در واقع، بدنبال افضل دانستن سیر رجوعی در بخش سوم، علم که غایت و هدف این سیر بود افضلیت و اصالت می‌یابد و نقش اساسی در این تحلیل ایفا می‌کند؛ لذا بخش نهایی عهده‌دار بیان مراد و مقصود از این علم است.

ملاصدرا در این بیان به دو معنا از علم اشاره می‌کند و تفاوت میان این دو حیثیت ابتدایی و رجوعی را به تفاوت میان دو معنا از علم برمیگرداند. نوعی از علوم که در سیر ابتدایی از آن نام برده، بمنزلهٔ وسیله‌ی برای اهداف بالاتری همچون احوال و اعمال است. علم

در این معنا بمنزلهٔ خادم و عبید احوال و اعمال، یا علوم عملی است که متعلق آنها کیفیت اعمال بدنی و قلبی است. این علم، «علم معامله» است و قسیم آن علمی است که بمنزلهٔ حاکم و پادشاه است و مخدوم دیگر سطوح است؛ این علم از «علوم مکاشفه» است.^{۸۵}

علم معامله علمی است که ثمرهٔ آن در عمل نمایان می‌گردد و فایدهٔ آن اصلاح عمل است و از این لحاظ جایگاهی پایینتر از عمل دارد؛ اما علم مکاشفه علم باطن است و آن غایت علوم است و سعادت‌مند کسی است که به این علم مفتخر گردد. این علم، عبارتست از نوری که به طهارت و تزکیهٔ قلب در آن ظاهر گردد و به آن معرفت خدا، مبدأ اسماء و صفات، معاد و دیگر حقایق منکشف گردد. این علم جز به الهام از حق و کشف از جانب قدس محقق نمی‌گردد.^{۸۶} ملاصدرا لوح نفس را به آینه‌ی شبیه می‌داند که اعمال، صیقل دادن و تطهیر آن است و احوال اثر آنهاست که از آن به صفات و طهارت یاد می‌کند و علوم، صور و حقایقی است که در آن ارتسام می‌یابد. در اینجا خیر ذاتی و فضیلت اصلی از آن علوم است، البته علمی که انکشاف حق در قلب است.^{۸۷}

در این بخش از تحلیل، مراد از علم بیان می‌گردد؛ علم و تصدیقی که در تحلیل ابتدایی یعنی در مرحلهٔ نخست از میان مؤلفه‌های اقرار زبانی، تصدیق قلبی و عمل جوارحی، اصالت بخشیده شد و در ایمان

۸۳. همان، ج ۲، ص ۸۳؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۳۷.

۸۴. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۴۹-۱۴۸.

۸۵. همان، ص ۱۴۹-۱۴۸.

۸۶. همان، ج ۲، ص ۴۴۵-۴۳۸؛ همو، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۱۴۱؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۱۴.

۸۷. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۸۴-۸۳.

دخیل دانسته شد. در ادامه تحلیل، ملاصدرا به تبیین مرحله دوم تحلیل که نتیجه آن ذو مراتب دانستن ایمان بود، میپردازد. او در این تحلیل به این حدیث شریف پیامبر (ص) میپردازد، «طلب العلم فریضة علی کل مسلم؛ تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است»^{۸۸}. ملاصدرا از این حدیث در مقام علوم معامله یاد میکند و بیان میکند که این علم دارای مراتبی است که از اعتقاد تقلیدی آغاز میگردد و تا علم به احوال قلب و شناخت صفات ممدوح و مذموم آن و نیز چگونگی از بین بردن صفات ناپسند و امراض قلبی و پاک کردن آلودگیهای آن تداوم می یابد. این علم غایت علوم و معارف دینی و ایمانی نیست بلکه خود زمینه ساز علم دیگری بنام «علم مکاشفه» است. در واقع، با علم معامله قلب پاک میگردد تا آماده دریافت انکشاف حقایق عیانی گردد^{۸۹}. رفیعترین و عالیترین علوم مکاشفه، معارف ایمانی هستند و تهذیب ظاهر که به اعمال صالح میسر میگردد و تهذیب باطن که به احوال تحقق می یابد، در جهت حصول این معارف است و سعادت غایی و حقیقی به این علوم حاصل میگردد^{۹۰}. همین علم است که از آن به نور تعبیر شده است^{۹۱}. بادقت در این عبارات ذومراتب بودن علم و بتبع آن ذومراتب بودن ایمان ظاهر میگردد. ملاعلی نوری تصریح میکند که تقدم علم از جهتی و تأخر و اصالت غایتی آن از جهت دیگر، بسبب آن است که علم مشکک است و البته علم خود بمنزله غایت نیز دارای مراتبی است که شامل علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین میگردد و این مرتبه اخیر بالاترین مراتب آن است. این بیان درباره علم و ایمان، بمثابة تجلی بی است که از نور دانستن ایمان و علم در لسان ملاصدرا ساطع میگردد. در این تعبیر علم و ایمان، نوری دانسته شده است که در قلب مؤمن تابانده میشود^{۹۲} و او را به سعادت غایی و نهایی میرساند^{۹۳}.

جمع بندی

ملاصدرا در تفسیر خود به مسئله محوری ایمان پرداخته است لیکن تمام آن را نه در یک بحث کلامی یا فلسفی مستقل بلکه بتناسب تفسیر آیات در مواضع مختلف بیان کرده است، لذا شناخت روش شناسی ایشان در تحلیل ایمان از اهمیت بالایی برخوردار است. در این روش شناسی، تحلیل ملاصدرا دارای مراحل است. ملاصدرا در مرحله نخست به بیان دیدگاههای مختلف در باب ایمان در زمینه کلامی آن میپردازد و البته در همین زمینه، نظر مختار خود را مبنی بر دخیل بودن تصدیق قلبی و عدم دخیل بودن مؤلفه های کلامی دیگر یعنی اقرار زبانی و عمل جوارحی بیان میکند.

در مرحله دوم، پس از اصالت قائل شدن برای علم و تصدیق، برای دیگر عناصر و مؤلفه های ایمان ارزش قائل میشود اما اینگونه نیست که از نظر خود برگشته باشد یا آن را تعدیل کرده باشد و همه مؤلفه های سه گانه را در تعریف ایمان اخذ کند، بلکه ثمره آن ذومراتب دانستن ایمان است. پس از آن به تحلیل متعالی از ایمان میپردازد که از آن به تحلیل درون شناختی یاد شد. در این تحلیل ایمان بمثابة یک حقیقت درون شناختی در کنار دیگر امور انفسی و مقامات دینی در نظر گرفته میشود و با نظر به حقیقت و نه مفهوم، ایمان را حقیقتی انفسی و درونی میداند که در حوزه شناخت به تحلیلی درون شناختی نیاز دارد.

۸۸. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۱ - ۳۰.

۸۹. ملاصدرا، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲، ص ۴۴۵ - ۴۳۷.

۹۰. همان، ص ۸۴.

۹۱. همان، ص ۴۴۵.

۹۲. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۶۷.

۹۳. ملاصدرا، اسرار آیات و أنوار البینات، ص ۲۱؛ همو،

العرشیه، ص ۲۸۶؛ همو، زاد المسافر، ص ۲۵؛ همو، الحکمة

المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۳، ص ۳۸۳.

این تحلیل در چهار بخش صورتبندی میگردد؛ در بخش نخست ایمان همچون امور انفسی ذکر شده به سه امر و ساحت تحلیل میشود که عبارتند از، علوم، احوال و اعمال.

بنظر ملاصدرا نحوه ترتب امور سه گانه بر یکدیگر به دو گونه متصور است: در یکی علم، آغاز این سیر است که خود در جهت تحقق احوال و سپس اعمال گام برمیدارد. در این سیر، غایت و هدف علم، عمل است و بمنظور تحقق آن تعریف میگردد. اما در سیر دیگر، آغاز با عمل است و عمل برای وصول به حال و سپس علم بعنوان هدف، تحقق مییابد. ملاصدرا از این دو سیر، به دو سیر «ابتدایی» و «رجوعی» یاد میکند، که سیر دوم افضل بوده و متعلق به صاحبان بصائر، در مقابل اهل ظاهر است. در این نگرش اعمال که تصفیة ظاهر هستند برای اصلاح قلب است و اصلاح قلب که تصفیة باطن است، برای انکشاف حقایق و معارف ایمانی در ساحت علم.

ملاصدرا در بخش چهارم تحلیل خود، به بیان تفکیک میان علوم «معامله» و علوم «مکاشفه» میپردازد و مقصود خود از علوم یاد شده در بخش سوم را این علوم بیان میکند. او در ادامه به ذومراتب بودن علم میپردازد و بر اساس آن به ذومراتب بودن ایمان اشاره میکند.

ملاصدرا در تحلیل مفهومی ایمان به سه عنصر اقرار زبانی، تصدیق قلبی و عمل جوارحی، به اصالت قائل شدن برای علم و تصدیق پرداخت و برای تبیین جایگاه دو عنصر دیگر در مرحله دوم به ذومراتب بودن ایمان قائل شد. اما این تحلیل با ارجاع به حقیقت ایمان و نظر حقیقی به ایمان که در تحلیل درون شناختی از آن در مرحله سوم بیان گشت، تکمیل میگردد. چنانکه ملاحظه شد، در بخش نهایی تحلیل درون شناختی ایمان، مراد از علم در ایمان بیان شد و با ذومراتب دانستن علم،

ذومراتب دانستن ایمان نیز تبیین گشت. با این تحلیل، نظر ملاصدرا در اصالت دادن به علم بهتر نمایان میشود و میتوان آنچه را که ملاصدرا در تعبیر ایمان و علم به نور بیان داشته است درک نمود.

منابع

- آمدی، سیف‌الدین، اباکار الافکار فی اصول الدین، بیروت، دارالکتب، بی‌تا.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳.
- انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین، اعداد و تقدیم علی شیروانی، قم، مؤسسه دارالعلم، ۱۴۱۷ق.
- ایزدی، جنان، احد فرامرز قراملکی، زهرا مصطفوی و احمد بهشتی، «الگوی روشی ملاصدرا در تحلیل مفهومی ایمان»، فصلنامه فلسفه کلام اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- فتنازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، مقدمه، تحقیق و تعلیق عبدالرحمن عمیره، قم، الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
- تهانوی، محمدعلی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه اللبنان لناشرون، ۱۹۹۶م.
- جوادی آملی، عبدالله، «حکمت متعالیه، مجموعه فهم و شهود»، خردنامه صدرا، شماره ۳، بهار ۱۳۷۵.
- جوادی، محسن، نظریة ایمان در عرصه کلام و قرآن، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۶.
- حلی، حسن بن یوسف، الألفین، قم، المؤسسة الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.
- ، مناهج البقین فی اصول الدین، تهران، دار الأسوه، ۱۴۱۵ق.
- خامنه‌ای، سیدمحمد، «اصول تفسیری و هرمنوتیک قرآنی نزد ملاصدرا»، خردنامه صدرا، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۸.
- خلیل بن احمد (فراهیدی)، ابوعبدالرحمن، کتاب العین، تصحیح مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، نسخه الکترونیکی المکتبه الشامله، بی‌تا.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- سبزواری، حاج ملاهادی، شرح المنظومه، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، تهران، نشر ناب، ۱۳۷۹.

- ، العرشیه، تصحیح و ترجمه غلامحسین آهنی، تهران، مولى، ۱۳۶۱.
- ، تفسیر قرآن الکریم، ج ۱: تصحیح، تحقیق محمد خواجهی با مقدمه آیت الله سید محمد خامنه‌ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، تفسیر قرآن الکریم، ج ۶: تصحیح، تحقیق و مقدمه محسن پیشوایی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، تفسیر قرآن الکریم، ج ۲: تصحیح، تحقیق و مقدمه محسن بیدارفر، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، تفسیر قرآن الکریم، ج ۳: تصحیح، تحقیق و مقدمه محسن بیدارفر، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، تفسیر قرآن الکریم، ج ۴: تصحیح، تحقیق و مقدمه محسن بیدارفر، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، تفسیر قرآن الکریم، ج ۷: تصحیح، تحقیق و مقدمه سید صدرالدین طاهری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، تفسیر قرآن الکریم، ج ۸: تصحیح، تحقیق و مقدمه محمدهادی معرفت و سید صدرالدین طاهری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، زادالمسافر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
- ، کسر اصنام الجاهلیه، تصحیح، تحقیق و مقدمه محسن جهانگیری، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۱.
- ، مفاتیح الغیب، تصحیح، تحقیق و مقدمه نجفقلی حبیبی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۶.
- نراقی، محمدهدی، جامع السعادات، تعلیق و تصحیح محمد کلانتر بهمراه مقدمه محمدرضا مظفر، نجف، جامعه النجف الدینیة، ۱۳۸۳ق.
- نصیری، علی، مکتب تفسیری صدر المتألهین، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۶.
- وحیدی مهرجردی، شهاب‌الدین، «ایمان از دیدگاه ملاصدرا»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال پنجم، شماره هفدهم، تابستان ۱۳۸۸.
- Izutsu, Toshihiko, *The Concept of Belief in Islamic Theology, A Semantic Analysis of Iman and Islam*, Kuala Lumpur, Islamic Book Trust, 2006.
- Gardet, L., "Iman", *Encyclopaedia of Islam*, 2nd Edition, Volume 3, Leiden and London, E. J. Brill, 1986.
- سراج طوسی، ابونصر، *اللمع فی التصوف*، تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون، ترجمه مهدی محبتی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان، *الجامع الصغیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی، *حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد و العداله*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹ق.
- ، *منیة المرید*، تحقیق رضا مختاری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- شیخ صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا(ع)*، تصحیح و تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
- ، *معانی الاخبار*، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۹.
- علوی، سید محمد کاظم، «سه اصل تمایز در سه سنت فلسفی»، *فصلنامه اندیشه دینی*، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۷.
- ، «بررسی معناشناختی ایمان در تفسیر مواهب الرحمن»، *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، ش ۲۸، بهار ۱۳۹۱.
- ، «سیر تاریخی شکل‌گیری اصطلاح مشکک در منطق»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره چهل و ششم، پاییز ۱۳۸۵.
- غزالی، ابوحامد محمد، *احیاء علوم الدین*، نسخه الکترونیکی المکتبه الشامله، بیتا.
- ، *کیمیای سعادت*، بکوشش حسین خدیو جم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فیاضی، غلامرضا، «حقیقت ایمان از منظر ملاصدرا و علامه طباطبایی»، *مجله پژوهش‌های دینی*، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴.
- قراملکی، احد فرامرز، *روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۸.
- کلینی، یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تحقیق، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل ایران و اسلام*، تهران، صدر، ۱۳۶۲.
- ملاصدرا، اسرار الآیات و انوار البینات، تصحیح محمد علی جاودان، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۹.
- ، *الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الاربعه*، ج ۳: تصحیح، تحقیق و مقدمه مقصود محمدی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۳.